



پا و پر و پروانه

پرنده ها تو لانه

اولشان پ زیباست

سه نقطه هاشون پیدااست

آخر حرفِ توپِ

نگاش کنین تو سوپِ

| | | | |
|-------|-------|-------|-------|
| | پرواز | | توپ |
| پرنده | | | |
| پرواز | پدر | | پرنده |
| توپ | | پرواز | |

سرمشق: پری پرستار است و به بیمار که اسمش پیمان بود، پتو داد و او را پیش پزشک بُرد. مادر پیمان برای پیمان سوپ بُرد. دوست او پرویز نام دارد و برای او یک بسته پسته آورد. پیمان روی دیوار پروانه و پرستو و شاپرک دید که پرواز کردند.

گرگ



گرگم و گله دیدم

گ آخر و ندیدم

گ آخره در نهنگ

آخر اسم پلنگ

در جنگ و جنگل و سنگ

سرکش داره ای زرنگ

| | | | |
|-------|-----|-------|-------|
| | گاو | | انگور |
| سنگ | | | |
| گاو | زنگ | انگور | سنگ |
| انگور | سنگ | گاو | زنگ |

سر مشق: گرگ از سگ می ترسد و از

ترس سگ به گاو نزدیک نمی -

شود. سگ دشمن گربه است. پدر بزرگ برای دوستش یک سبد گردو و برگ انگور

برد. مادر بزرگ نرگس آموزگار است. نرگس با نگار دوست است.